

این بخش نامزد جایزه اسکار شود. و به عنوان اولین انیمیشن ایرانی در بخش اسکار به رقابت پرداخت. در حال حاضر در هشت جشنواره دیگری که مورد تأیید آکادمی اسکار است شرکت کرده است. در جشنواره داخلی نهال جایزه بهترین اثر را گرفت. در جشنواره فیلم کوتاه تهران حتی کاندید هم نشد.

چگونه در حالی که از نظر روحی و روانی در شرایط سختی بودید، اراده خود را برای ساخت این انیمیشن جزم کردید، که در واقع باعث بزرگ‌ترین موفقیت‌تان تا حال حاضر شد؟

اتفاقاً برای من، همیشه اینطور بوده است که اگر در شرایطی باشم که نتوانم مکالمه‌های بامحیط داشته باشم، آن را در اثرم و با ساخت تصاویر نشان می‌دهم، تمام اثرهایی که ساخته‌ام برآمده از دغدغه‌های شخصی خودم بوده که تولید آن به رفع مشکلاتم نیز کمک کرده است.

به جشنواره اسکار هم دعوت شدید و یا دور آ دور نتیجه را دنبال کردید؟

بله، دعوت نامه داشتیم، اما چالش بزرگی بود چرا که سفارت آمریکا به بنده برای دو سال دیگر تویت داد.

آیا باز انعکاس خبری رسانه‌های اترتان در ایران رضایی بودید؟ راستش خیر، اثر من در ایران نه دیده شد و نه تبلیغاتی را در حوزه رسانه داشت. من این انیمیشن را با بیست میلیون ساختم، و همزمان با من در بخش مسابقه اثری از آلمان ارائه شده بود با پیش تولید ده هزار دلاری که رسانه‌های این کشور در حجم بسیار گسترده‌تری به آن پرداخته بودند. اما اثر من در همان ابتدا از سوی انجمن سینمای جوانان که تهیه‌کننده آن بود با انعکاس درستی در جامعه مواجه نشد. این در حالی است که فعالان این حوزه و همچنین فیلم کوتاه تنها مسیر موفقیت‌های بعدی‌شان انعکاس خبر اثرشان در رسانه و فضای مجازی است که این مهم در ایران محقق نمی‌شود.

از اثرهای خوب دیگر خود در حوزه انیمیشن بگوئید؟ انیمیشن دنیای خاکستری خاکستری بود، که تاکنون موفق به شرکت در چندین جشنواره بین‌المللی معتبر شده است. و در نهایت در جشنواره‌ای که تحت حمایت سازمان زنان انیمیشن‌ساز جهان بود، موفق به جایزه شد. این اثر با محوریت بر لری تفاوت‌ها بود.

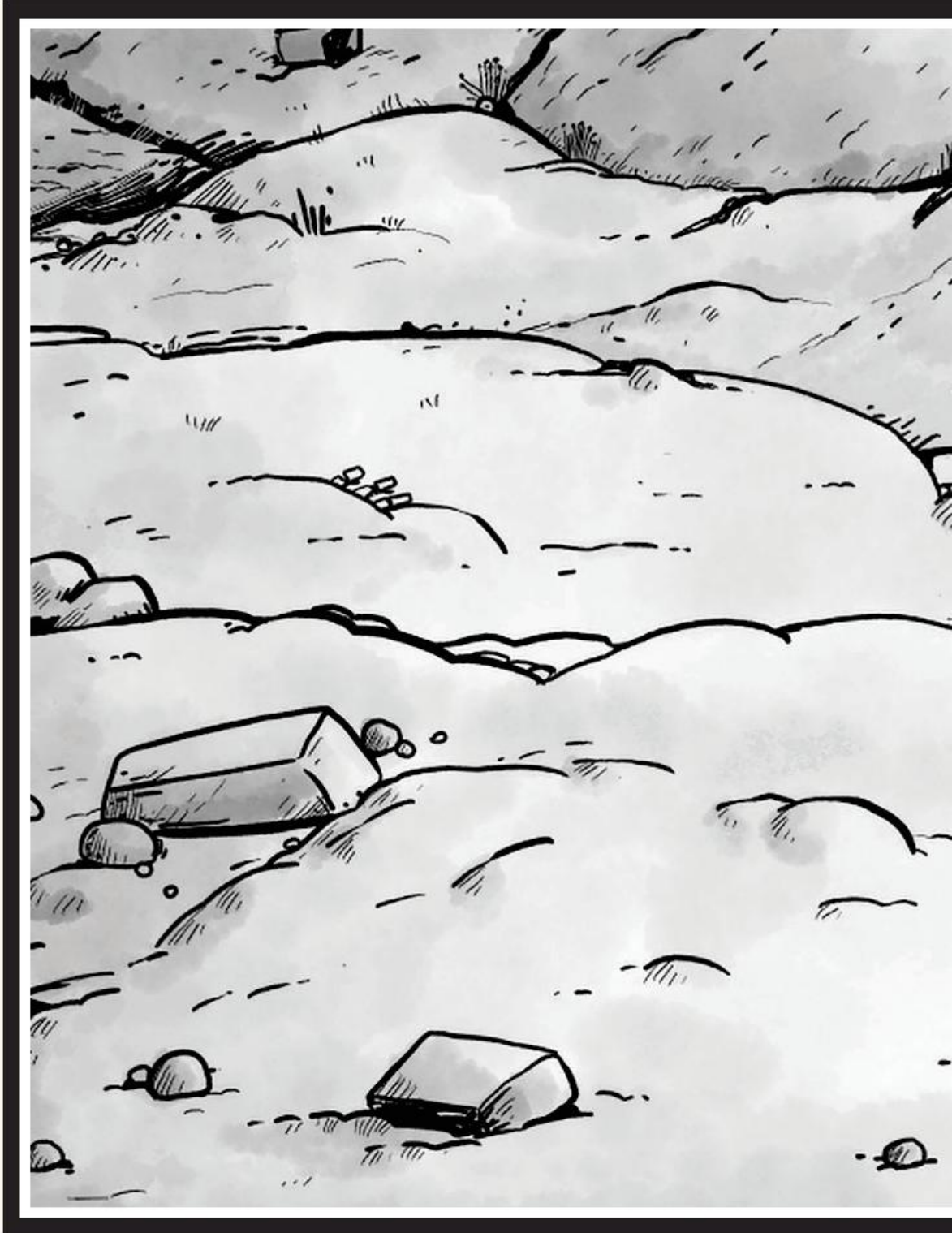
سکوت هنرمندان در شرایط سخت حاضر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من با سکوت میانه‌ای ندارم و اعتقادم بر این نیست که سکوت و عدم تولید اثر هنری منجر به اتفاقی مبارک نمی‌شود، تمامی تولیدات انیمیشنی من با محوریت اعتراض من به مقوله‌ای در دنیای پیرامون بوده است، که توانسته‌ام از طریق هنر ملیه ازای اعتراض‌رانشان هم، کسانی که معتقدند که سکوت‌شان، جاوه بیرونی و اعتراضی دارد، به من نشان دهند ملیه ازای این سکوت‌شان در دنیای واقعی چیست؟ در اثر آخرم؛ این رویکرد که فرزند در خانواده که اولین نهاد ارتباطی او با جهان است درک نمی‌شود را، به چالش کشیده‌ام و همچنین والدین هم از سوی فرزند درک نمی‌شود، انتخاب این رویکرد برای من، از این رو بود که احساس کردم که اثرهایی که با محتوای اجتماعی و سیاسی ساخته شده‌اند، فاقد تأثیر گذاری بوده‌اند، و زمان آن رسیده است که دیگر به دنبال مقصر در دنیای بیرونی نباشیم، چرا که مقصر های اصلی این شرایط برآمده از نهاد خانواده، و فرد در افراد یک جامعه است، که باید تغییر کنند.

این حرف شما مرابیه یاد بزرگی انداخته که گفته بود، برای تغییر شرایط قصد داشتیم انقلاب کنیم، از شرایط انقلاب تغییر دادن خودمان و کسب آگاهی بود، وقتی این دورا کسب کردیم، دیگر نیازی به انقلاب احساس نکردیم. با این حساب از نظر شما این آگاهی از چه مجرای می‌تواند به جامعه تزریق شود؟

در حوزه علوم انسانی، که از آن همیشه به عنوان رشته‌ای نامعتبر و غیر بولساز در ایران یاد می‌شود و انتخاب احسن نوجوانان در انتخاب رشته همیشه علوم تجربی و ریاضی فیزیک بوده است. همین انگاره از سطح تحصیلی در مدارس تا سطح اجتماعی عامه مردم هم تسری پیدا کرده است. در حالی که اساس یک جامعه را علوم انسانی تشکیل می‌دهد و به تاندان به این رشته باعث عقب راندن جامعه می‌شود. چیزی که در جوامع پیشرفته امری بسیار مهم در سیستم گذاری محسوب می‌شود.

حرف آخرتان به علاقه مندان در حوزه انیمیشن با لنگیزه دیده شدن وارد هیچ حوزه‌ای نشوند، ممکن است در ادامه این امکان نیز برایشان فراهم شود، اما اگر دغدغه اول دیدم شدن باشد، با شکستی بزرگ در همان ابتدا مواجه می‌شوند، چرا که روند موفقیت یک پروسه بسیار زمان بر است. که تنها با عشق و علاقه و دغدغه‌مندی می‌توان این مسیر را پیمود. از نظر من با جواب به این پرسش که چرا می‌خواهند وارد این فضا شوند و با پیدا کردن شناخت عمیقی از خود، در این راه قدم بگذارند.



جذب را دارند؟

جدا افتادگی این دو بخش در هنر انیمیشن ایران باعث شده است که هنری‌سازان ما هم در گیشه موفق نباشند و بیشترین انرژی خود را در مفهوم و محتوا به کار ببرند، نیاز به یک ارتباط دوسویه در این موضوع بیش از پیش احساس می‌شود.

از انیمیشن پوتین و موفقیت‌های این اثر بگوئید؟

فیلمنامه پوتین در سال ۱۳۹۸ نوشته شد، و خوشبختانه از فیلمنامه‌هایی بود که از همان ابتدا بصورت کامل در ذهنم شکل گرفت، در دوره‌ای که از لحاظ روحی و روانی در شرایط بد و نامناسبی به سر می‌بردم، من در ذهنم کیوتری را در یک منطقه جنگ‌زده دیدم که برای برداشتن غذا از زیر یک سنگ بزرگ تلاش می‌کند، تا برای بچه‌هایش غذا ببرد، که در نهایت با برداشتن سنگ متوجه می‌شود غذایی در زیر آن سنگ نیست، و در ادامه با موانع دیگری روبرو می‌شود، که از آنها به عنوان فرصتی برای تغییر زندگی خود استفاده می‌کند. این انیمیشن در فضای گروتسکی که از آن به کمدی سیاه نیز تعبیر می‌شود ساخته و پرداخته شد، که معمولاً حس از خنده و گریه تاملان را در مخاطب ایجاد می‌کند. این کار در سه دقیقه بود. پروسه تولید آن یک سال طول کشید، تهیه‌کننده آن انجمن سینمایی جوانان و خودم بودم، کارگردانی هنری و لیمناتور این اثر را آقای پیمان مال‌میر به عهده داشتند، و از آنجا که شرکت در بخش دانشجویی آکادمی اسکار شرایط خاص و سختی داشت، نیازمند پیگیری زیادی بود که من در پروسه دو الی سه ماهه با تلاش زیاد توانستم این اثر را برای آکادمی قابل پذیرش کنم. که بعد از عبور از دهم‌رله انیمیشن پوتین موفق شد، در هفت اثر نهایی برتر

می‌آیند، تجربه شخصی من حاکی از این است که این دو گروه معمولاً روش کاری همدیگر را قبول ندارند، کسانی که در بخش صنعتی انیمیشن‌سازی فعالیت می‌کنند، با نگاه تولیدی به هزینه، زمان و میزان بازگشت سرمایه و سودآوری جلو می‌روند. همین مشهود که از نظر من اثرهایی که در حال حاضر روی پرده سینماهایی ایران با موضوع کودک و نوجوان اکران شده است، در مخاطب‌شناسی خود دچار ضعف در فیلم‌نامه‌نویسی هستند، چرا که موضوعاتی با محوریت روانشناختی و... برای کودک قابل فهم نیست، اگر چه برای صاحبان اثر موضوعی، چالش برانگیز و جذاب است، اما ناگفته نماند که این آثار از نظر تکنیکی حرفه‌ای پرداخت می‌شوند. این در حالی است که فعالان حوزه انیمیشن در بخش هنری، در همان ابتدا با در نظر گرفتن مخاطب و مفهوم آثار خود را نسبت به ذائقه تماشاگر تنظیم می‌کنند، به این شکل، عدم ارتباط این دو بخش هنری و صنعتی آسیب‌زا می‌شود. من در تجربه‌ای که خودم داشتم، با برادرزاده‌ام به سینما رفتم. نیمی از فیلم گذشته بود که برادرزاده من مشغول بازی دیگری شد، و این نشان دهنده آن است که فیلم نتوانسته بود از لحاظ محتوایی او را درگیر کند، از نظر من فروش گیشه بیشتر این آثار از فروش جمعی بلیط آنها به ارگان‌ها و سازمان‌هایی مانند آموزش و پرورش و غیره تعیین می‌شود. داستان گویی حوزه‌ای است که در پرداخت این انیمیشن‌ها باید به طور جدی تغییر کند. و این امر مستلزم وجود کارشناس‌هایی است که همگام با دغدغه‌هایی ذهنی کودک ۶ الی ۱۰ ساله داستان‌پردازی را پایه ریزی کنند.

از نظر شما انیمیشن‌سازان هنری ما دغدغه مخاطب و